

نقد عکس 4



یکی از دسته بندی‌های عکاسی معاصر که در این سال‌ها بیش از همیشه مورد توجه عکاسان قرار گرفته نوعی از عکاسی صریح، بی واسطه و ساده از زندگی روستایی است. در این سال‌ها با تنوع زیادی از عکس‌هایی روبرو شده‌ایم که فضای خانه، معماری بدوی و جذاب روستا، و مراودات زندگی روستایی را به تصویر کشیده‌اند، و به نظر می‌رسد با اینکه نگاه مخاطبان در هر کتاب و نمایشگاه و جشنواره‌ای از این تصاویر پر است، اما باز تصویری ساده از طاقچه خانه‌های روستایی یا حکایت مکرر انتظار پیرزنان روستایی برای بازگشت مرد از سر کار به خانه هنوز روایتی جذاب است که مخاطبان خاص خود را دارد.

دلیل اقبال چنین دسته بندی به راستی روشن نیست و ریشه‌های آن را باید در نوعی روانشناسی اجتماعی جستجو کرد، اما شخصا دلایل این مساله را در چند چیز می‌دانم:

1- ریشه‌های تاریخی این نوع عکاسی و میل به کشف دنیاهاى جدید

امکاناتی که عکاسی در جستجوی ناشناخته‌ها ارایه می‌کند چیزی است که از اواسط قرن نوزدهم مورد توجه عکاسان زیادی قرار گرفت، کشفیات جدید رازهایی را در جهان آشکار می‌کرد که فراتر از فهم و تجربه انسان بود. عکاسان در این دوره به شدت به ثبت تصاویری بسیار ساده از سرزمین‌های ناشناخته و حوادث فوق العاده گرایش نشان دادند. در این زمان بود که «عکاسی سفری» به عنوان تلاشی جدید و مهم بوجود آمد.

اروپا، خاورمیانه، آسیا، آفریقا، خاور دور و اقیانوس آرام موضوعات تمام نشدنی برای ماجراجویی‌های عکاسانی بودند که در زمینه تحقیق بر قوم‌شناسی اهتمام می‌کردند. این نوع عکاسی که عمیقا با عکاسی مستند پیوندهای نزدیکی دارد در سال‌های 1850 تا 1860 با تلاش عکاسانی چون Francis Bedford، Maxime Ducamp و Francis Frith گسترش یافت. این نوع عکاسی در لایه‌های زیرین خود به Social and culture photography نیز معتقد و وفادار است. در اواخر قرن گذشته نیز جریان‌های قوی عکاسی آماتوری به گسترش بیشتر این نوع عکاسی کمک کردند، در این زمینه می‌توان به آثار

James Ravilious از عکاسان معاصر در دهه‌های 1970 تا 1990 اشاره کرد.

2- زیبایی شناسی روستا: سرمشق عکاس

یکی از مکان‌هایی که حضور در آن منجر به تولید عکس‌های زیبایی شناسانه زیادی می‌شود روستا است. هندسه ساده زندگی روستایی و آن بخش از اصالت‌های زندگی که هنوز در روستاهای ما زنده باقی مانده‌اند دستمایه‌های خوبی برای عکاسان است.

روستا همواره در این سال‌ها مورد توجه عکاسان آماتور و حرفه‌ای بوده است، برای نمونه می‌توان به انبوه توره‌های تفریحی موسسات گردشگری و حتی توره‌های هدفمند عکاسی در این سال‌ها اشاره کرد که توسط مجله‌های معتبر عکاسی برگزار شده و مقصدشان روستاهای مختلف بوده است.

3- توجه خاص جشنواره‌های داخلی و خارجی به این عکس‌ها

«خانه‌های روستایی، فرهنگ روستا، تولید در روستا، زنان روستایی و...»

این‌ها همه از موضوع‌هایی است که در این سال‌ها به کرات در جشنواره‌های داخلی مطرح شده، نگاه عام اکثر جشنواره‌های خارجی نیز به ما ایرانیان در همین موضوع‌ها خلاصه می‌شود. بد نیست بدانید که بخت این عکس‌ها در داوری جشنواره‌های بین‌المللی بسیار بیشتر از عکس‌های انتزاعی، ذهنی، و متکی بر زیبایی شناسی تصویر است. به نظر می‌رسد جشنواره‌های خارجی اصرار زیادی دارند که تصویر ما ایرانی‌ها همچنان یک زندگی پیش پا افتاده باشد که در حسرت پیشرفت‌های تکنولوژیک دست و پا می‌زند!

4- وقت فراوان و آفتاب تابان روستا

در این نوع عکس‌ها با شکلی از گرایش‌های افراطی در گریز از شهرنشینی مواجه هستیم که نگاه مخاطب را به بخش دست نخورده‌ای از زندگی رهنمون می‌کند. سکوت و خلوت زندگی روستایی و جدایی آن از چارچوب‌های زندگی شهری و شتابی که زندگی شهری بر ما دیکته می‌کند، در کنار هوای پاک روستا به عکاس اجازه می‌دهد در این مکان‌ها به راحتی دست به دوربین برده و وسوسه ثبت این صحنه‌ها را تجربه کند.

عکس: مصطفی پیوندی

عکس «مصطفی پیوندی» به سادگی در این دسته بندی قرار می‌گیرد. صحنه اتاقی روستایی را نشان می‌دهد که در اولین نگاه، تلویزیون در گوشه چپ قاب چون وصله‌ای ناچسب به این زندگی در آن دیده می‌شود. نور صبحگاهی از پنجره سمت راست اتاق که خارج از قاب قرار دارد به داخل تابیده و صبحی آرام را خبر می‌دهد. در گوشه سمت راست قاب نشانه‌هایی از زندگی سنتی ایرانی به چشم می‌خورد و دری چوبی در وسط قاب، اتاق‌ها و سراسراه‌های دیگر این خانه روستایی را در ذهن ما مجسم می‌کند. «مصطفی پیوندی» زاویه‌ای تخت را برای این ثبت انتخاب کرده و استفاده از فضای خالی اتاق یکی از نکات مثبت این عکس است. عکس همچنین از عواملی برخوردار است که در ذیل به آن اشاره می‌کنم:

رنگ:

رنگ عنصری کاربردی در این عکس است که وسوسه زیستنی امن را در مخاطب ایجاد می‌کند. عکاس جوان به خوبی از نور روز که از بیرون به داخل می‌تابد استفاده کرده و کوشیده است به کنترل مناسبی از آن دست یابد. همچنین بازتاب این نور روی دیوار کاهگلی خانه که تمام پزمینه تصویر را پوشانده توسط اکسپوز بسیار عالی عکاس به رنگی گرم و دلنشین بدل شده که احساس عکس را دوچندان می‌کند.

سازمان دهی تصویر:

پرهیز از هر عامل اضافی در تصویر که موجب انحراف بیننده از معنا و مفهوم عکس می‌شود، به عنوان اصلی ترین تلاش در سازماندهی تجسمی این عکس مورد نظر است.

انتخاب لنز نرمال برای ثبت این صحنه و پرهیز از وسوسه‌های فواصل کانونی واید که به ثبت باشکوه این مکان‌ها می‌انجامد، برگ برنده عکاس جوان و خوش ذوق این تصویر است.

فضای عکس بیش از اندازه خالی است و این شاید موجب ایجاد نوعی سرگردانی در خوانش عکس شود، اما تقارنی که

عکاس توانسته بواسطه عناصری چون در چوبی در وسط قاب، متکا و تلویزیون در دو سمت قاب، و مهم تر از همه ردایی از نور در دو ضلع عمودی راست و چپ عکس که به ترتیب توسط نور پنجره و پرده پستوخانه بوجود آمده، ایجاد کند به سازمان دهی آگاهانه این عکس کمک شایانی کرده است و نوعی سکوت و خلوت را در قاب افقی به ارمغان آورده است.

هدف و موخره:

عکس «مصطفی پیوندی» بی اندازه ساده است. به نظر می رسد ورای انتخاب مکان و موضوع برای چنین عکسی، برخورد روانی عکاس با موضوع است که ما را علاقه مند به این عکس می کند. حال این سوال پیش می آید که آیا عکاس در این عکس در پی نمایش نوعی «نجابت» انسانی است؟ یا اساسا این نجابت را در تسخیر جعبه جادویی می داند و هراسان در از دست رفتن اصالتی پاک است؟ البته عکس به این سوال ها پاسخ نمی دهد اما ارجاعات عکاس در انتخاب زاویه دید و ترکیب و هیات کلی عکس، ما را به نوعی همزیستی مسالمت آمیز سنت و تجدد می کشاند، اگر جعبه جادویی را پیش پا افتاده ترین نشانه زندگی جدید بدانیم! باری، کلام آخر اینکه از «مصطفی پیوندی» عکاس جوان این عکس در آینده نزدیک باید بسیار بشنویم، چرا که قریحه و آگاهی تکنیکی خوبی در عکاسی دارد و اهتمام او نیز در این سال ها قابل توجه بوده است.

نقد: [کیارنگ علایی](#)

عکس: مصطفی پیوندی

[لینک مستقیم روزنامه قدس PDF](#)